

بیانیه ی پایانی

دومین نشست وسیع کمیته ی مرکزی کومه له

بدینوسیله به اطلاع عموم می رساند که دومین نشست وسیع (پلنوم) کمیته ی مرکزی کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، منتخب کنگره ی نهم، در اواخر ماه مارس برگزار شد و بعد از سه روز کار فشرده و بررسی مباحث مختلف تشکیلاتی و سیاسی و صدور قطعنامه های لازم در هر مورد به کار خود پایان داد.

لازم به یادآوری است که همزمان بابرگزاری پلنوم تهاجم نیروهای اسرائیلی به سرزمین های اشغالی و ازجمله به مقر مرکزی یاسر عرفات و بازداشت خانگی وی شروع شد. پلنوم به اتفاق آراء سیاست های تجاوزکارانه ی دولت شارون و به ویژه این عمل دولت اسرائیل را محکوم کرد و حمایت سیاسی خود را از حق مردم فلسطین برای تشکیل دولت مستقل اعلام نمود و هم چنین بر لزوم به رسمیت شناسی حکومت خودگردان فلسطین و رهبر آن یاسر عرفات به عنوان دولت مشروع فلسطین تأکید کرد.

کمیته ی مرکزی کومه له در نشست اخیر خود تأثیر اوضاع سیاسی جهان بر ایران را مورد بحث و بررسی مفصل قرار داد. جهان یک ابرقدرتی که بر اساس وعده های نظریه پردازان لیبرال غرب می بایست آغاز ناپدید شدن همه ی شرارت ها، تجاوزگری ها، حمایت از رژیم های فاسد و دیکتاتور، یعنی سیاست هائی باشد که در شرایط جنگ سرد اجتناب ناپذیر قلمداد می شد، می رود تا به عریان ترین وجه سیمای واقعی خود را در برابر چشم همگان آشکار کند. توسعه طلبی نظامی، روی آوردن به سیاست های آشکار استعماری که از جنگ جهانی دوم به این طرف سابقه نداشته است، تقسیم کردن دولت ها به خیر و شر که در آن بزرگترین قدرت امپریالیستی و نظامی که دنیا تاکنون به خود دیده است، به عنوان منبع اصلی خیر در دنیا قلمداد می شود و بنابراین جنگ افروزی آشکار و تهدید مخالفان به استفاده از سلاح اتمی، سیاست حمایت آشکار از متجاوز، بی اعتنائی مطلق به اصول دموکراتیک پذیرفته شده در دنیای متمدن، به کار بردن زبان متکبرانه و حقارت آمیز نسبت به دیگران که تنها در دوران اوج و شکوفائی قدرت های استعماری مشابه آن را می شد پیدا کرد، بی اعتنائی آشکار به افکار عمومی دنیا و حتی بی توجهی به قدرت های متحد خودی، این ها همه جنبه های مختلف چهره ای هستند که از جانب سخنگوی اول تنها ابرقدرت جهان به مردم دنیا نشان داده شدند.

از طرف دیگر بعضی از نیروها و جریانات مترقی به خصوص در کشورهای متروپل افشای سیاست های امپریالیستی غرب و در رأس آن ایالات متحده را با نوعی حمایت ضمنی از دولت های سرکوبگر و دیکتاتورهای کشورهای مورد تهدید غرب و یا حداقل چشم پوشیدن از جنایات آن ها، همراه می کنند. نتیجه ی چنین موضعی نیز عقب گردی مخرب برای جنبش های آزادی بخش و کارگری به شعارهای امتحان پس داده ای است که تحت لوای تضاد اصلی با امپریالیسم، امپریالیسم دشمن اصلی و غیره در عمل نیروهای انقلابی و جنبش های حق طلبانه را در کنار دشمن داخلی و خیل دیکتاتورها و طبقات حاکم کشورهای پیرامونی قرار می دهد.

یک موضع انقلابی ضمن تشخیص ماهیت و نیت واقعی امپریالیسم، نباید برای یک لحظه نیز مبارزه در داخل را فراموش کند و یا با اتخاذ مواضع دوپهلوی بطور ضمنی هم شده در کنار رژیم های سرکوبگر قرار گیرد.

تا آنجائیکه به ایران بر می گردد، سیاست آمریکا در طول دو دهه ی اخیر هیچ گاه تغییر حکومت و نظام سیاسی ایران نبوده بلکه تغییر و اصلاح سیاست های این رژیم و متناسب کردن آن با نیازهای غرب را مدنظر داشته است و در رابطه با خود تغییر سیاست ها نیز هیچ گاه سرکوب ها و کشتارها و نقض آزادی ها و حقوق بشر مردم ایران به دست این رژیم جزو سیاست هائی که باید تغییر کند اعلام نشده و موضوع دموکراسی و حقوق مردم مسأله ای را در این رابطه تشکیل نمی داده است بلکه همواره احتمال دسترسی رژیم جمهوری اسلامی به سلاح های کشتار جمعی و مخالفت وی با پروسه ی صلح خاورمیانه به عنوان این موارد نام برده شده است. باوجود افزایش تنش بین رژیم جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در دوره ی اخیر، شواهد نشان می دهد که آمریکا در حال حاضر نیز کماکان این سیاست را دنبال کرده و فشارهای سیاسی و نظامی غیرمستقیم را با هدف تاثیر گذاشتن بر روندهای سیاسی در ایران در راستای اهداف استراتژیک خود مورد بهره برداری قرار می دهد.

تا آن جا که به عمل کرد رژیم جمهوری اسلامی ایران برمی گردد، افزایش تنش بین ایران و آمریکا از طرف جناح محافظه کار رژیم عامدانه درجهت زمینه سازی برای به راه انداختن یک سرکوب گسترده ی مردم، که از مدت ها پیش تمایل و نقشه ی آن را داشته اند، و به سکوت کشاندن جناح مخالف مورد استفاده قرار گرفته و حتی بیش از آن چه واقعاً هست بزرگ شده است. در حالیکه از طرف دیگر می بینیم که علی رغم شعارها و لفاظی های ضد آمریکائی، هردو جناح رژیم اسلامی برای به دست گرفتن ابتکار و انحصار مذاکره با آمریکا به شیوه ی توطئه گرانه ای با همدیگر مسابقه گذاشته اند.

کمیته ی مرکزی کومه له یک بار دیگر بر این اصل پای فشرد که تنها خط مشی صحیح به نفع توده های مردم و به نفع دموکراسی، اتکا به جنبش های توده ای اصیل و درپیش گرفتن یک سیاست مستقل انقلابی است که هم از هرگونه جناح بندی های رژیم و هم از استراتژی غرب مستقل باشد.

نشست کمیته ی مرکزی کومه له اوضاع سیاسی داخلی ایران را نیز مورد بررسی قرار داد و بر نکات زیر مجدداً تأکید نمود:

کل نظام سیاسی ایران اکنون بیش از هر زمان دیگری در چشم مردم ایران بی اعتبار شده و از حمایت مردمی از نظام دیگر سخنی هم نمی تواند در میان باشد. امید به بهتر شدن اوضاع و اصلاحات در درون نظام به رهبری جناح اصلاح طلب دولتی نیز کم تر و کم تر شده است. جناح اصلاح طلب درون حکومت از یک طرف با نشان دادن ناتوانی روزافزون در مقابله با جناح رقیب، ضعف خود را هر چه بیشتر به نمایش گذاشته است و از طرف دیگر سرکردگان این جناح سیاست نزدیکی به جناح راست را از طریق تعدیل کردن و یا در بسیاری مواقع به فراموشی سپردن کامل بعضی از شعارهای خود در پیش گرفته و هدف حفظ اتحاد با جناح محافظه کار را بر تعدیل و اصلاح کردن نظام اولویت بخشیده اند.

تا آن جائیکه به جبهه ی مردم بر می گردد، با وجود نارضایتی عمومی وسیع در میان مردم، فقر و فاقه ی شدید و غیرقابل تحمل که به توده های وسیع مردم کارکن و زحمتکش

تحمیل شده است، و با وجود حرکت های اعتراضی پراکنده به وسعت همه ی ایران، ما هنوز با یک جنبش قوی و متشکل و سازمان یافته ی مردمی که دارای اهداف سیاسی روشنی بوده و از یک رهبری منسجم برخوردار باشد، روبه رو نیستیم. جنبش کارگری ایران نیز هنوز با مشکل پراکندگی و غیبت تقریباً مطلق ابزارهای سازمانی سنتی خود دست و پنجه نرم می کند که خود حاصل سرکوب مداوم این جنبش در قسمت اعظم تاریخ معاصر بوده است، و لذا تاکنون قادر نبوده است به جامعه ی ایران تحرک واقعی داده و ابتکار عمل را در جنبش توده ای به دست بگیرد. از طرف دیگر با وجود عدم حمایت مردمی، ابزارهای سرکوب رژیم هنوز دست نخورده در اختیار وی هستند تا هرگاه لازم باشد علیه مردم به کار گرفته شوند.

در متن چنین تعادلی است که جنبش توده ای برای مطالبات گوناگون در لحظه ی حاضر آن جنبش بالفعل موجودی است که باید بر آن تاثیر نهاد، آن را رادیکالیزه کرد و برای پیروزی آن مبارزه نمود. پیشروی و پیروزی هرکدام از این جنبش های مطالباتی و حق طلبانه در هر کدام از عرصه های مبارزه در خود به نفع بهبود در زندگی سیاسی - اقتصادی توده ی مردم بوده و در عین حال با رادیکالیزه کردن کل جامعه آن را به مجرای جنبش نهائی برای سرنگونی جمهوری اسلامی سوق خواهد داد. با توجه به اینکه آن نظام سیاسی که خمینی بیش از دو دهه قبل آن را پایه گذاری کرد در میان مردم ایران شکست خورده و بی اعتبار شده است مساله رفتن و یا حداقل تغییر رژیم در ایران امری حتمی است و تنها زمان و چگونگی روندی که طی خواهد کرد می تواند مورد پرسش باشد.

مساله ی دموکراسی و آزادی های سیاسی مساله ی درجه اول انقلاب و یا هر تحول سیاسی ریشه دار بعدی در ایران خواهد بود. در این رابطه لیبرالیسم ایران، به غیر از بخش بسیار کوچکی از آن، چه به عنوان اپوزیسیون رسمی و چه به عنوان اصلاح طلب دولتی و غیردولتی، هنوز هم شدیداً به پیرایه های مذهبی آلوده بوده و با آن چه که به عنوان لیبرالیسم در اروپا و غرب شناخته شده است بسیار متفاوت است. این لیبرالیسم، به ویژه در داخل، در اکثریت خود هنوز با شعار جدایی دین از دولت فاصله ی بسیار دارد. این لیبرالیسم، گرچه تا حدودی از مدینه ی فاضله ی مذهبی اش سرخورده است، همان جریانی است که توده ی وسیع روشنفکر، تحصیل کرده و دانشجوی ایران را در سال های سلطنت و به خصوص در دوران متأخر آن تا زمان انقلاب پشت ایده ی حکومت مذهبی به صف کرده و بنابراین خدمت بزرگی به رژیم انحصارطلب آخوندی نمود و اکنون نیز با آراسته کردن خود به زیور لقب ملی - مذهبی، چیزی را به جامعه ی ایران عرضه می کند که در واقع بیش از یک لیبرالیسم نیم بند و تقلبی نیست. این لیبرالیسم به هیچ وجه قادر نبوده و نخواهد بود که حکومت و قانون گذاری را در ایران کاملاً مذهب زدائی کند، برای آزادی زنان از قید اسارت کنونی گام های جدی بردارد، آزادی های سیاسی مورد درخواست کارگران و زحمتکشان را، که برای آنان در مبارزه ی روزانه شان علیه اجحافات سرمایه داری و برای امکان سازمان یابی شان حیاتی است، برآورده سازد و رهائی اقلیت های ملی تحت ستم در ایران را تضمین کند.

تحقق این وظائف مهم تاریخاً بر عهده ی طبقه ی کارگر و نیروهای اصیل سوسیالیستی می باشد. مشکل اساسی این است که کسی نمی تواند خارج از جنبش کنونی برای مطالبات اصلاحی این مهم را برعهده گرفته و جنبش را به پیش ببرد. این وظیفه ای است که بر

عده‌ی هر جریان چپ و جدی قرار دارد که می‌خواهد بر روند زندگی واقعی در ایران تاثیر گذاشته و تنها منزه طلبی نظری و در برج عاج نشستن وی را قانع نمی‌کند. مسأله‌ی مهم دیگر در تحول سیاسی آینده‌ی ایران از نظر جریان سوسیالیستی، گسترش و تقویت سازمان‌یابی طبقه‌ی کارگر است. این هدفی است که باید از هم اکنون و نیز در هرتحول کوچک و بزرگ، در هریاز شدن فضای سیاسی، در خلال هر فضائی که جنبش توده‌ای باز می‌کند، در سرلوحه‌ی کار قرار داد و برای آن تلاش کرد. دست‌یابی کارگران به تشکل سراسری و نیرومند و مستقل خود، دست‌آورد بزرگی است که مهر خود را بر روی حیات و فعالیت جامعه‌ی کارگری ایران و ارتقاء موقعیت آن خواهد کبویید، دوره‌ی سیاسی آتی را از نظر کارگران به یک دوره‌ی موفق تبدیل خواهد نمود و نقطه‌ی اتکائی برای پیشروی‌های بعدی خواهد شد. به‌علاوه، تشکل‌های نیرومند و فراگیر و مستقل و مبارزه‌جوی کارگری مهم‌ترین پشتیبان و تکیه‌گاه دموکراسی در برابر هرگونه ارتجاع و استبدادی خواهند بود.

کمیته‌ی مرکزی در نشست خود بر وضعیت نابسامان چپ رادیکال و سوسیالیستی در ایران در شرایط حساس کنونی انگشت گذاشته و با توجه به اینکه طبقه‌ی کارگر در شرایط کنونی در ایران به احزاب سیاسی خود دسترسی ندارد و با توجه به اینکه تشکیل چنین احزابی در کوتاه مدت در چشم‌انداز نیست، و بالأخره با در نظر گرفتن پراکندگی بسیار زیاد این چپ و نقش بسیار کمی که هم‌اکنون در عرصه‌ی سیاسی - فرهنگی ایران بازی می‌کند، بر این واقعیت تاکید کرد که لیبرالیسم نوپای ایرانی که هنوز بسیار آغشته به افکار مذهبی و نظریه‌های کهنه‌ی ضد دموکراتیک می‌باشد، با استفاده از موقعیت مناسبی که در جامعه‌ی ایران پیش آمده است، هم چون حامی و راهنمای اعتراضات مردم ظاهر شده و دستور گفتمان سیاسی - فرهنگی جامعه را تعیین می‌کند و در مقابل چپ ایران به حاشیه رانده شده است.

در چنین وضعیتی قدم اساسی برای چپ ایران جمع کردن نیرو و هم سو کردن همه‌ی توان خود در قبال مسائل اساسی پیشاروی جامعه و از جمله مسأله‌ی مربوط به سازمان‌یابی کارگران، دفاع از دموکراسی و بازی کردن نقشی با وزن مناسب خود در فضای سیاسی - فرهنگی جامعه‌ی ایران می‌باشد. کمیته‌ی مرکزی کومه له اعتقاد راسخ دارد که چپ ایران علی‌رغم اختلافات اساسی غیر قابل انکار در مسائل مهم پیشاروی سوسیالیسم چه در سطح جهانی و یا کشوری، آن قدر نقاط مشترک و تبیین‌های یکسان در مسائل مربوط به دموکراسی و رفاهی و تقویت سازمان‌یابی کارگری در جامعه دارد که بتواند براساس یک پلاتفرم حداقل جبهه‌ی وسیعی را برای اتحاد عمل و صف آرائی در مقابل کل بورژوازی ایران سازمان بدهد و راه را برای آماده‌سازی یک بستر مناسب برای شکوفائی ایده‌های چپ و سوسیالیستی در ایران هموار نماید. کمیته‌ی مرکزی کومه له به اتفاق آراء بر صدور فراخوانی در این موضوع به چپ ایران تأکید نمود.

پلنوم تا جائیکه به عرصه‌ی فعالیت کومه له در کردستان بر می‌گردد یک بار دیگر بر عزم راسخ خود برای تعمیق پیوند خود با کارگران و زحمتکشان و تلاش در راستای سیاست‌های نام‌برده در بالا و نیز در امر هدایت همه‌جانبه‌ی جنبش خلق کرد در مبارزات عادلانه اش تاکید کرد.

دومین نشست کمیته‌ی مرکزی کومه له منتخب کنگره‌ی نهم هم‌چنین بر اهمیت

یکسان سازی شعارها و مطالبات مردم کردستان ایران، با هدف استحکام صفوف خلق کرد در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و هر حکومت مرکزی دیگری که به ستم ملی علیه آن ها ادامه بدهد، تأکید کرد و در این رابطه قطعنامه ای تدوین و صادر نمود.

نشست کمیته ی مرکزی کومه له همچنین با مروری بر وضعیت کنونی حزب کمونیست ایران و تحولات اخیر این تشکیلات، و با تأکید بر شکست قطعی جریان مدعی فعالیت به نام کومه له در این حزب، یادآوری کرد که بی آیندگی حزب کمونیست ایران و بی ارتباطی آن با هرگونه جنبش اجتماعی و به ویژه جنبش کارگران در ایران وی را وادار می کند که برای انسجام درون تشکیلاتی هر چه بیشتر به شیوه های غیر سیاسی و در درازمدت ناکارآ، متوسل شود که برد آن بسیار محدود خواهد بود. پلنوم همچنین با تأکید بر اینکه این جریان در دیدگاه ها و سیاست های خود از جمله در قبال مساله ی ملی در ایران و به خصوص در موضع گیری در مقابل جنبش مردم کردستان هرچه بیشتر به کمونیسم کارگری نزدیک شده و می شود، به چپ ایران و همه ی دوستداران جنبش انقلابی کردستان هشدار داد.

تا آنجائیکه به خط مشی سیاسی کومه له و جهان بینی آن بر می گردد، پلنوم از همه ی اعضاء کمیته ی مرکزی در درجه ی اول و سپس از همه ی کادرهای کومه له خواست که در اشاعه و ترویج سیاست های کومه له و خط سیاسی - فکری آن بیش از گذشته تلاش نمایند و به مخاطبان وسیع کومه له که در میان آنان بسیاری از نسل جدید وجود دارند که بخصوص در ایران به خاطر سرکوب شدید سیاسی به ادبیات کومه له دسترسی نداشته اند، این امکان را بدهند که خط فکری و سیاسی کومه له را در وهله ی اول از زبان خود رهبران کومه له بشنوند. نتیجه ی این فعالیت ها تربیت توده ای از کادرها و پرورش یک نسل جدید آگاه هوادار سوسیالیسم و امر کارگران است که کومه له در هر گونه برآمد سیاسی در ایران به آنان نیاز حیاتی خواهد داشت. در این میان پلنوم به اعضای کومه له در هر نقطه ای که هستند فراخوان داد که، چه به طور فردی و چه به ویژه در جلسات عمومی اعضا، بحث و بررسی دیدگاه ها و مواضع کومه له را، که اساساً در مصوبات کنگره ی نهم آن موجود می باشد، اهمیت بیشتری داده و تسلط خود بر این نظرات و مواضع را افزایش دهند.

در مباحث تشکیلاتی، کمیته ی مرکزی در نشست خود از جمله به بررسی فعالیت های کومه له در خارج کشور پرداخت و به صدور یک سری قرارهای تشکیلاتی برای هماهنگی بیشتر بخش های مختلف فعالیت کومه له در خارج کشور مبادرت نمود. در بررسی انتقادی خود از فعالیت تشکیلات در این عرصه، ضمن ارج گذاشتن به تلاش همه ی رفقای تشکیلاتی در سطوح مختلف و همچنین هواداران دلسوز کومه له و حمایت های وسیع آنان، بر بسیاری کمبودها و نقاط ضعف در این رابطه نیز انگشت گذاشت و بر لزوم اصلاح و بهبود آن ها تأکید کرد و اسنادی را در این رابطه به تصویب رسانید.

دبیرخانه ی کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

دوازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۱، ۲ ماه مه ۲۰۰۲